

تفسیر و نقد «برهان سکوت»، در تاریخ گذاری احادیث

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۱

محمد کاظم رحمان ستایش^۱
محمد تقی دیاری بیدگلی^۲
احسان الله درویشی^۳

چکیده

شاخت و ینبل در تاریخ گذاری احادیث از استدلال برهان سکوت بهره برده اند. برخی این استدلال را ذیل مغالطات دسته بندی می کنند. با این تفسیر از برهان سکوت، بی درنگ کاربرد آن در تحقیقات خاورشناسان نادرست خواهد بود. این نوشتار بر آن است با ارائه تفسیرهای دوگانه از برهان سکوت، ابعاد آن را نمایان سازد. در تفسیر نخست از برهان سکوت، شرایط سه گانه استدلال از جمله دسترسی نویسنده به اطلاعات، قصد نویسنده برای توصیف کامل وضعیت و اهمیت بالای پدیده، نقش اساسی را بر عهده دارند. برهان سکوت در صورت فراهم نبودن این شرایط در زمره مغالطات جای خواهد گرفت. در تفسیر دوم، برهان سکوت به استنتاج بهترین تبیین بازمی گردد. استنتاج بهترین تبیین نوعی از استدلال است که در آن تلاش می شود نظریه ای ارائه شود که به بهترین شکل اطلاعات موجود را تبیین کند. بر اساس هر دو تفسیر از برهان سکوت، نادرستی تصویر شاخت و ینبل از خاستگاه تاریخی احادیث روشن گردید. میزان آگاهی فقیهان از احادیث، شیوه گزینش و ثبت احادیث فقهی و نیز کمبود منابع کهن، تردیدهای جدی در شرایط صدق برهان سکوت پدید می آورد.

۱. دانشیار دانشگاه قم (نویسنده مسئول) (krsetayesh@gmail.com).

۲. استاد تمام دانشگاه قم (mt_diari@yahoo.com).

۳. دانشجوی دکتری دانشگاه قم (darvishi313@chmail.ir).

کلی‌گویی و تعمیم نتایج جزئی به همه احادیث از آسیب‌های مطالعات تاریخی حدیث است که تنها با جزئی‌نگری و روش استقرایی برطرف خواهد شد. کلیدواژه‌ها: برهان سکوت، استنتاج بهترین تبیین، تاریخ‌گذاری احادیث، ساخت، ینبل، خاورشناسان

طرح مسأله

خاورشناسان براساس رویکردشان به دیرینگی منابع کهن اسلامی، به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: دسته نخست، محققان سنتی، خوش‌بین و معتدل هستند که اصالت منابع اسلامی را تا اندازه‌ای می‌پذیرند؛ هرچند معتقدند این منابع در فرآیند نقل، دچار آفت‌هایی نیز شده‌اند. این گروه دستیابی به «خطوط اصلی رویدادهای رخ داده» را ممکن می‌دانند. دسته دوم، محققان شکاک، تجدیدنظرطلب و افراطی هستند که منابع اسلامی را فاقد اصالت تلقی می‌کنند. آنان استخراج تاریخ واقعی - «آنچه واقعاً روی داده است» - را از منابع اسلامی ناممکن می‌شمارند.^۱ صرف نظر از القاب و عناوینی که برای هر یک از خاورشناسان به کار رفته، بررسی علمی و محققانه مبانی و دستاوردهای هر خاورشناس ملاک قضاوت درباره وی خواهد بود.

ساخت و یُئبل دو تن از خاورشناسان سرشناس و برجسته در تاریخ‌گذاری احادیث^۲ هستند. منظور از تاریخ‌گذاری حدیث، کشف خاستگاه پیدایش، چگونگی انتقال و نشر حدیث است. به بیان دیگر، تاریخ‌گذاری حدیث به معنای کشف زمان و مکان صدور، گوینده و راوی و سیرتغییرات یک حدیث در بستر زمان است.^۳ به جرأت می‌توان گفت که مبانی خاورشناسان در تاریخ‌گذاری احادیث بر نتایج استدلال‌های ساخت و ینبل تکیه دارد؛ چه این‌که نتایج پژوهش ساخت در احادیث فقهی به سایر احادیث نیز تعمیم یافته^۴ و نظریات ینبل در تاریخ‌گذاری حلقه مشترک، طرق منفرد و شیرجه‌ای جایگاه مقبولی در تاریخ‌گذاری سندی پیدا نموده است. این دو خاورشناس در تاریخ‌گذاری احادیث از استدلالی با عنوان برهان سکوت^۵ بهره گرفته‌اند. این استدلال نقشی اساسی در اثبات

۱. رک: «حدیث به مثابه داده تاریخی»، ص ۲۳.

2. Dating of Traditions.

۳. رک: درآمدی بر مطالعات حدیثی در دوران معاصر، ص ۱۰۴.

۴. «تاریخ‌گذاری احادیث براساس روش ترکیبی تحلیل اسناد و متن»، ص ۱۲۹.

5. argument from silence.

دیدگاه‌های ساخت و ینبل برعهده دارد. از این رو، ضروری است تا برهان سکوت به دیده دقت بررسی و به قضاوت درباره آن پرداخته شود.

ساخت معتقد است بهترین راه برای این که اثبات کنیم یک روایت فقهی، در زمانی خاص وجود نداشته، این است که مسئله یا مناقشه‌ای پیدا کنیم که در آن، هیچ کس بدان روایت به عنوان دلیل و حجت فقهی استناد نکرده باشد؛ زیرا اگر چنین روایتی وجود داشت، استناد به آن قطعی و حتمی بود.^۱ ظاهر برهان سکوت به این شکل پذیرفتنی نیست؛ زیرا برهان سکوت استنتاجی است که بر سکوت یا فقدان شاهد مخالف استوار شده است و اگر کسی از فقدان شاهد یا دلیل برضد نتیجه یا ادعا، بخواهد به عنوان دلیل بردستی آن نتیجه یا ادعا کمک بگیرد، دچار مغالطه استفاده از برهان یا دلیل سکوت شده است.^۲ چنین برداشتی در برابر «عدم الوجدان لایدل علی عدم الوجود» قرار دارد و در منطق قیاسی، ذیل مغالطات طبقه‌بندی می‌شود.

چالش مسئله در اینجا رخ می‌نماید. از یک سو، برهان سکوت به ظاهر از انواع مغالطات است و از سویی، در تاریخ‌گذاری ساخت و ینبل جایگاهی بنیادین دارد. منتقدان ساخت و ینبل نیز به صراحت سخنی از مغالطه بودن برهان سکوت به میان نیاورده‌اند. آیا خاورشناسان به راحتی پژوهش‌های علمی خود را بر اساس یک مغالطه سامان داده‌اند؟ برخی معتقدند برهان سکوت در منطق جدید، همان استدلال از طریق ارائه بهترین تبیین یا بهترین تبیین ممکن^۳ است؛ چنانچه بخواهیم برهان سکوت ساخت را بر اساس ساختار بهترین تبیین ممکن توصیف کنیم، چنین خواهد شد:

• در مسئله یا مناقشه فقهی الف هیچ کس به روایت ج به عنوان دلیل و حجت فقهی استناد نکرده است.

• فرضیه عدم وجود روایت ج در آن زمان، عدم استناد را تبیین می‌کند.

• هیچ فرضیه در دسترس دیگری نمی‌تواند عدم استناد را به خوبی عدم وجود روایت ج تبیین کند.

∴ بنابراین، عدم وجود روایت ج در آن زمان احتمالاً صادق است.

۱. «تاریخ‌گذاری احادیث بر اساس روش ترکیبی تحلیل اسناد و متن»، ص ۱۲۹-۱۳۰.

۲. راهنمای نگارش دانشگاهی، ص ۱۴۳.

برهان سکوت براساس این برداشت، صورت معقولی پیدا می‌کند؛ با این حال، ابهامات دیگری در مسیر استدلال دیده می‌شود؛ مانند این که چرا عدم وجود روایت بهترین تبیین ممکن است؟ بنابراین، می‌توان گفت که برهان سکوت در تاریخ‌گذاری احادیث به دلیل ابهامات و برداشت‌های مختلف از آن همچنان نیاز به بررسی دارد تا به خوبی شناخته شده و زوایای آن آشکار شود. گام‌های ارزنده‌ای در داخل کشور برای معرفی و نقد و تحلیل تاریخ‌گذاری احادیث صورت گرفته است.^۱ افزون بر ترجمه و گزارش کتب و مقالات غربی، نام چند رساله و پایان‌نامه نیز با موضوع تاریخ‌گذاری به چشم می‌خورد.^۲ نوشتار حاضر برای نخستین بار به صورت جداگانه به تحلیل و موشکافی برهان سکوت در تاریخ‌گذاری احادیث پرداخته تا تفسیری روشن از آن ارائه نماید. بدیهی است که پس از آشنایی دقیق با برهان سکوت، پیش‌فرض‌های شاخ و ینبیل در تاریخ‌گذاری احادیث قابل فهم‌تر و به دنبال آن قوت و ضعف دیدگاه‌های این دو خاورشناس آشکارتر خواهد شد.

دو تفسیر از برهان سکوت وجود دارد که در اینجا به تبیین هر یک می‌پردازیم و در ادامه بحث روشن خواهیم کرد که نحوه استفاده خاورشناسان از برهان سکوت، مبتنی بر کدام تفسیر است و آیا اشکالی متوجه آن هست یا خیر.

۲. تفسیر نخست از برهان سکوت

آنچه در ارزش‌گذاری برهان سکوت اهمیت دارد، مفادی است که از آن فهمیده می‌شود. چنان که پیش‌تر گذشت، برخی برهان سکوت را معادل قاعده «عدم الوجدان یدل علی عدم الوجود» - نیافتن دلیل بر نبودن است - دانسته‌اند. در این صورت، برهان سکوت جزء مغالطات^۳ خواهد بود. به همین دلیل، برخی برهان سکوت را در بسیاری از موارد، همانند

۱. برای نمونه بنگرید: حدیث اسلامی، خاستگاه‌ها و سیر تطور؛ شفاهی و مکتوب در نخستین سده‌های اسلامی؛ تاریخ‌گذاری حدیث: روش‌ها و نمونه‌ها.

۲. برای نمونه بنگرید: «نقد و بررسی پژوهش‌های حدیثی هارالد موتسکی»، رساله دکتری فروغ پارسا؛ «تاریخ‌گذاری روایات اسلامی بر پایه اسناد و متن: تحلیل مقدمات و روش‌ها»، رساله دکتری سید علی آقایی؛ «نقد و بررسی مبانی و روش‌های حدیث پژوهان غربی در تاریخ‌گذاری روایات براساس متن»، رساله دکتری سعید شفیعی؛ «مطالعه انتقادی مبانی و روش‌های خاورشناسان در تاریخ‌گذاری احادیث اهل سنت»، پایان‌نامه احسان الله درویشی.

۳. مغالطه (ج مغالطات) در لغت به معنای سوق دادن شخص به سوی غلط و نیز اشتباه‌کاری (خود فرد) است و در اصطلاح، عبارت است از هر روش نادرستی در جریان تفکر (دانش منطقی، ص ۳۳۷). به تعبیر منطقی دانان، مغالطه استدلال نادرستی است که از نظر ماده یا صورت یا هر دو، ارکان و شرایط استدلال را نداشته باشد. برای اطلاع بیشتر رک: (مغالطات، ص ۲۲-۲۵).

مغالطه توسل به نادانی یا توسل به جهل^۱ دانسته‌اند؛ هرچند محک علمی برهان سکوت را به صورت نادر ممکن می‌دانند.^۲ همین گفته نشان می‌دهد که ممکن است برهان سکوت در برخی موارد به نتایج معقول دست یابد. به نظر می‌رسد در پژوهش‌های تاریخی، برهان سکوت معنا و چارچوب مشخصی دارد. این چارچوب موجب می‌شود تا برهان سکوت از مغالطه فاصله بگیرد. برهان سکوت در این ساختار ضابطه‌مند از سه مؤلفه تشکیل شده است:

- سند موجود (الف) هیچ اشاره‌ای به رویداد (ب) ندارد و نسبت به آن ساکت است.
- قصد نویسنده سند (الف) تهیه فهرستی کامل از رویدادهایی است که رویداد (ب) از نوع آن‌ها بوده است.

- مفروض این است که رویداد (ب) از قبیل رویدادهایی است که در صورت وقوع، نویسنده سند (الف) نمی‌توانست آن را نادیده بگیرد و از آن چشم‌پوشی کند.

بنابراین، سکوت نویسنده سند (الف) نشان می‌دهد رویداد (ب) رخ نداده است. با توجه به ساختار بالا می‌توان گفت که کاربست اطمینان‌بخش برهان سکوت، زمانی رخ می‌دهد که نخست، دستیابی مؤلف به اطلاعات، مورد انتظار باشد؛ دوم، مؤلف اراده و قصد توصیف کامل وضعیت را داشته باشد؛ سوم، پدیده از اهمیت بالایی برخوردار باشد؛ به گونه‌ای که انگیزه مؤلف را برای ثبت آن برانگیزد.^۳

گفتنی است تنها در صورتی که شرایط بالا وجود داشته باشد، می‌توان میان عدم اشاره به موضوعی خاص در آثار موجود یک مؤلف و بی‌اطلاعی وی از آن، ملازمه برقرار کرد. اهمیت رویداد برای نویسنده‌ای که معاصر آن است، نقش مهمی در ایجاد انگیزه برای نویسنده در نگاشتن رویداد دارد؛ زیرا نویسندگان انواع رویدادها را مشاهده می‌کنند، اما فقط مواردی را که از نظر آن‌ها مهم است، ثبت می‌کنند.^۴ در نتیجه، اهمیت رویداد و نادیده نگرفتن و ثبت آن در یک سند تاریخی رابطه تنگاتنگی با یکدیگر دارند.

برهان سکوت، براساس تفسیر بالا، در تحلیل گزارش‌های تاریخی و بازخوانی

1. argument from ignorance.

2. The Curious Silence of the Dog and Paul of Tarsus; Revisiting The Argument from Silence, pp. 83–84.

3. From Reliable Sources: An Introduction to Historical Methods pp. 73–74. Research Methodology in History p. 56, From Reliable Sources: An Introduction to Historical Methods p. 74, Research Methodology in History, p. 56.

4. From Reliable Sources: An Introduction to Historical, pp. 73–74.

نگاشته‌های مورخان نقش‌آفرین خواهد بود. ضابطه تاریخی با عنوان «سکوت تواریخ و کتب سیره» نیز به برهان سکوت اشاره دارد.^۱ در عین حال، برخی معتقدند هیچ قانون کلی برای کاربرد سه شرط پیش‌گفته وجود ندارد، مگر تخصص مورخ در ارزیابی وضعیت. از این رو، برخی معتقدند استدلال ناشی از سکوت فقط الهام‌بخش است و هرگز از نظر منطقی قطعی نیست.^۲ در واقع، اعتبار وقایع‌کنندگی چنین استدلالی بستگی به شرایط پیرامونی و پس‌زمینه‌ای موضوع مورد بحث دارد؛ مثلاً اگر ذکر مطلبی کاملاً طبیعی باشد، از قلم‌افتادگی آن می‌تواند دلیل خوبی برای فرض عدم اطلاع باشد؛ اما اگر بتوان دلایلی برای عدم ذکر آن مطلب در نظر گرفت، چنین استدلالی دیگر چندان قانع‌کننده نخواهد بود.^۳ حاصل، آن‌که برهان سکوت را می‌توان با شرایطی در گزارش‌های تاریخی به کار گرفت. ساخت وینیل نیز با نگاه تاریخی در صدد تاریخ‌گذاری احادیث بوده‌اند و از این جهت، اشکالی بر آنان وارد نیست. تنها باید دید آیا شرایط برهان سکوت - که در بالا به آن‌ها اشاره شد - در مواردی که ساخت وینیل از آن بهره گرفته‌اند، وجود داشته است یا خیر؟ در نقد برهان سکوت به این نکته خواهیم پرداخت.

۳. تفسیر دوم از برهان سکوت

برخی برهان سکوت را از نوع استدلال «بهترین تبیین ممکن» یا همان «استنتاج بهترین تبیین» دانسته‌اند. گیلبرت هارمن - که از پیشگامان بحث درباره «استنتاج بهترین تبیین» است - اصطلاح «استنتاج بهترین تبیین» را تقریباً معادل با اصطلاحات فرضیه‌ربایی،^۴ روش فرضیه،^۵ استنتاج فرضیه‌ای،^۶ روش حذف،^۷ استقرای حذفی^۸ و

۱. سکوت همگی مورخان از حادثه معین و مشخصی با وجود این که انگیزه برای نقل آن زیاد بوده، قرینه قوی است حاکی از این که چنین قضیه و رخدادی اصلاً به وقوع نپیوسته است («رهیافتی به ضوابط معیار قرار گرفتن تاریخ برای ارزیابی روایات»، ص ۱۶۰).

2. The Argument from Silence, History and Theory, pp. 288-301. The Curious Silence of the Dog and Paul of Tarsus; Revisiting The Argument from Silence, p. 85.

۳. «مواجهه محدثان مسلمان با پدیده رشد وارونه سندها»، ص ۱۸۰؛ «پدیده حلقه مشترک در سندهای روایات: تبیین و تحلیل»، ص ۴۴؛ «نخستین دایره‌المعارف در سنت حدیث پژوهی غربی»، ص ۷۳.

4. Abduction.

5. the method of hypothesis.

6. inference Hypothetic

7. the method of elimination.

8. Eliminative induction.

استنتاج نظری^۱ می‌داند و در عین حال، اصطلاح «استنتاج بهترین تبیین» را ترجیح می‌دهد.^۲ نخستین بار چارلز ساندرس پیرس،^۳ استنتاج بهترین تبیین را به عنوان استدلالی مستقل و در عرض قیاس و استقرا مطرح کرد.^۴ گفتنی است که دیدگاه‌ها درباره هویت «استنتاج بهترین تبیین» یکسان نیست؛ برخی مانند فومرتن، استنتاج بهترین تبیین را به استقرای تحویل برده‌اند و برخی مانند هارمن استقرا را به استنتاج بهترین تبیین تحویل می‌برند. برخی دیگر نیز امکان تحویل استقرا و استنتاج بهترین تبیین به یکدیگر را نمی‌پذیرند و معتقدند که این‌گونه از استدلال، هویتی مستقل دارد.^۵

نحوه حرکت از مقدمات به نتیجه در استنتاج بهترین تبیین، مانند هیچ‌یک از اقسام سه‌گانه استدلال نیست. نه در آن قاعده‌ای هست که همانند قیاس بر امور جزئی بار شود؛ نه تکراری هست که بتوان آن را استقرا محسوب کرد و نه مشابهتی میان معلوم و مجهول وجود دارد که بتوان آن را تمثیل دانست. در استنتاج بهترین تبیین از یک سو، یک پدیده یا دسته‌ای از پدیده‌ها وجود دارند و از سوی دیگر، فرض‌ها و حدس‌ها و گمان‌هایی که می‌توانند آن پدیده‌ها را به نحوی معقول و قانع‌کننده توضیح دهند.^۶ به بیان دیگر، استنتاج بهترین تبیین شکلی از استدلال است که در آن تلاش می‌شود نظریه‌ای ارائه شود که به بهترین شکل اطلاعات موجود را تبیین کند.^۷ طبق رویکرد رایج به استنتاج بهترین تبیین، این نحوه استدلال چنین صورت‌بندی می‌شود:

- F مجموعه‌ای از امور واقعی (facts) است.
- فرضیه H، F را تبیین می‌کند.
- هیچ فرضیه در دسترس دیگری نمی‌تواند F را به خوبی H تبیین کند.
- بنابراین، H احتمالاً صادق است.

1. theoretical inference.

۲. «رابطه فرضیه ربایی با استقراء و حدس»، ص ۳۱.

3. Ch. Sanders Peirce.

۴. «رابطه فرضیه ربایی با استقراء و حدس»، ص ۳۱. پیرس سه شیوه استدلال را مطرح می‌کند: قیاس، استقراء و فرضیه ربایی (استنتاج بهترین تبیین).

۵. همان، ص ۳۰.

۶. «کاربرد استنتاج بهترین تبیین در تفسیر قانون»، ص ۱۰۹.

۷. «مقایسه‌ای میان استنتاج بهترین تبیین و حدس»، ص ۸.

چنان که آشکار است، این شیوه استدلال دو گام اساسی دارد: یکی، انتخاب بهترین فرضیه تبیین‌گرایا به اختصار بهترین تبیین، از میان فرضیه‌های تبیین‌گر رقیب؛ و دیگر، معرفی بهترین تبیین به عنوان تبیینی که نسبت به دیگر تبیین‌های رقیب از احتمال صدق بیشتری برخوردار است؛ یعنی محتمل‌ترین تبیین. البته، مراد فیلسوفان از این که «بهترین تبیین احتمالاً صادق است»، متفاوت از یکدیگر است.^۱ یکی از مهم‌ترین چالش‌های استنتاج بهترین تبیین به همین نکته بازمی‌گردد. آیا آنچه بهترین تبیین را به دست می‌دهد، انتخاب محتمل‌ترین تبیین را در پی دارد؟ برخی معتقدند که ملاک‌های احتمالاتی ارائه شده از پس تحدید بهترین تبیین، به گونه‌ای که محتمل‌ترین تبیین را به دست دهد، بر نمی‌آیند.^۲ ناگفته نماند از آنجا که استنتاج بهترین تبیین در زمره استدلال‌های فسخ‌پذیر یا ناهمگن است، بطلان یا تغییر نتیجه چندان دور از انتظار نیست. توضیح، آن که از منظر دیگر استدلال‌ها را به فسخ‌پذیر و فسخ‌ناپذیر تقسیم کرده‌اند. ملاک این تقسیم‌بندی امکان تغییر نتیجه استدلال بر اساس ورود مقدمات جدید است. در استدلال‌های فسخ‌ناپذیر یا همگن، در صورت قبول صدق مقدمات، نتیجه صادق است و با ورود اطلاعات جدید، تغییری در نتیجه ایجاد نمی‌شود، مانند قیاس. اما در استدلال‌های فسخ‌پذیر یا ناهمگن، ورود اطلاعات جدید می‌تواند نتیجه اولیه‌ای را که از مقدمات محدودتری منتج شده بود، باطل کند یا تغییر دهد؛ مانند استقرا و تمثیل و استنتاج بهترین تبیین.^۳ احتمالی بودن نتیجه در استنتاج بهترین تبیین بر اساس این نکته برجسته‌تر می‌شود. با این حال، می‌توان گفت که استدلال‌های فسخ‌پذیر یا ناهمگن، کاربرد فراوانی در علوم و نیز زندگی روزمره دارد؛ زیرا از یک سو معلومات بشری غالباً ناقص است و تمام اطلاعات و داده‌ها در اختیار نیست و از سوی دیگر، بشر نیازمند، بلکه مجبور به نتیجه‌گیری است. این استنتاج‌ها گرچه نتیجه قطعی به دست نمی‌دهند، اما کورکورانه و تصادفی هم انجام نمی‌شوند، بلکه تلاش می‌شود نتیجه‌گیری‌ها معقول انجام شود.^۴ نیروهای پلیس برای شناسایی مجرمان، پزشکان برای تشخیص عامل بیماری و بسیاری دیگر از متخصصان از این استنتاج بهره می‌گیرند.^۵ حال

۱. «واکاوای ملاک‌های احتمالاتی در استنتاج بهترین تبیین»، ص ۲۶.

۲. همان، ص ۴۴.

۳. «مقایسه‌ای میان استنتاج بهترین تبیین و حدس»، ص ۱۲ و ص ۱۳.

۴. همان، ص ۷.

۵. «استنتاج بهترین تبیین و مسئله توصیف استدلال‌های استقرایی؛ بررسی دیدگاه لیپتون»، ص ۳۹.

که معنا و ساختار استنتاج بهترین تبیین روشن شد، به برهان سکوت ساخت در تاریخ گذاری احادیث فقهی بازمی گردیم.

به عقیده ساخت، هیچ فرضیه‌ای نمی‌تواند عدم استناد به روایت (ج) در مسئله یا مناقشه فقهی (الف) را به خوبی عدم وجود روایت (ج) تبیین کند. در نتیجه، عدم وجود روایت (ج) در آن زمان احتمالاً صادق است. باید پرسید چرا ساخت از میان تمام فرضیه‌هایی که می‌توانند تبیین‌گر^۱ چرایی عدم استناد به روایت (ج) باشند، عدم وجود روایت در زمان مناقشه فقهی را محتمل‌تر دانسته است؟ پاسخ در بررسی موارد به کارگیری برهان سکوت در تاریخ گذاری احادیث روشن خواهد شد.

۴. کاربرد برهان سکوت در فرآیند تاریخ گذاری احادیث

احادیث در دیدگاه خاورشناسان اسنادی تاریخی هستند و لازم است پیش از آغاز به کارگیری در پژوهش تاریخ گذاری شوند. در هر تحقیق تاریخی، توصیف و تبیین خاستگاه پدیده تاریخی و سیر تطور آن اهمیت فراوانی دارد. پرسش اصلی در توصیف سیر تطور یک پدیده تاریخی این است که این پدیده پس از شکل‌گیری و پیدایش، چه مسیری را طی کرده است؟ چه صورت‌هایی به خود گرفته است؟ مورخ در این مقام فراز و فرودها، ترمیم‌ها، بازسازی‌ها، تخریب‌ها و اصلاح‌ها را مورد توجه و بررسی قرار می‌دهد.^۲ ساخت و پنبیل در فرآیند تاریخ گذاری به طور ویژه از برهان سکوت کمک گرفته‌اند.

۴-۱. کاربرد برهان سکوت در تاریخ گذاری بر اساس قدیمی‌ترین منبع

به طور منطقی، نخستین قرینه یا شاهی که برای تعیین دوره زمانی شکل‌گیری احادیث به ذهن می‌رسد، این است که بررسی شود هر روایت، نخستین بار در کدام منبع حدیثی ذکر شده است.^۳ ساخت نیز بارها در کتاب مبادی فقه اسلامی از همین راهکار بهره گرفته است. وی معتقد است که سکوت یک منبع فقهی نسبت به یک روایت خاص نشان می‌دهد آن

۱. استنتاج بهترین تبیین یا فرضیه ربایی گاهی مفاهیم جدید یا مدل‌های جدیدی ارائه می‌کند و گاهی تنها به گزینش بهترین تبیین از میان انبوهی از تبیین‌های محتمل می‌پردازد. برخی حالت اول را «آفرینش‌گر» و حالت دوم را «تبیین‌گر» نامیده‌اند (رک: «رابطه فرضیه ربایی با استقراء و حدس»، ص ۶۰). روشن است که در استدلال ساخت و پنبیل تنها گزینش وجود دارد.

۲. رک: اصول و فنون پژوهش در گستره دین‌پژوهی، ص ۱۴۴.

۳. «حدیث پژوهی در غرب: مقدمه‌ای در باب خاستگاه و تطور حدیث»، ص ۲۳.

حدیث تا زمان تألیف منبع نامبرده وجود نداشته است.^۱ با توجه به آنچه در تفسیرهای دوگانه از برهان سکوت گذشت، باید چگونگی ملازمه میان سکوت منبع فقهی و عدم وجود روایت در تفسیر نخست و نیز بهترین تبیین بودن عدم وجود روایت در زمان تألیف منبع در تفسیر دوم از برهان سکوت روشن شود.

به نظر می‌رسد که ساخت آگاهی نویسنده منبع فقهی را از همه احادیث مرتبط با مناقشه فقهی مفروض دانسته است. از این رو، نویسنده باید همه احادیث مرتبط را در منبع خود بیان می‌کرد. ینبل نیز با پیروی از ساخت، این راهکار را به همه گونه‌ها و جوامع حدیثی تعمیم داده و معتقد است عادت مدونان مسلمان این بود که تمام آنچه را که از پیشینیان خود به دست آورده بودند، در مجموعه‌های تألیفی خود بگنجانند. لذا هر یک از این جوامع را باید حاوی تمام روایات موجود در زمان و منطقه تألیف آن اثر دانست.^۲

ساختار استدلال ساخت و ینبل بر اساس تفسیر نخست از برهان سکوت چنین بازگویی می‌شود:

- در منبع فقهی (الف) هیچ اشاره‌ای به حدیث (ب) نشده و منبع نسبت به آن ساکت است.
- قصد نویسنده منبع فقهی (الف) بیان کامل احادیث مسائل فقهی بوده که حدیث (ب) نیز مرتبط به آن است.
- مفروض این است که حدیث (ب) از احادیثی است که در صورت وجود، نویسنده منبع فقهی (الف) نمی‌توانست آن را نادیده بگیرد.
- بنابراین سکوت نویسنده منبع فقهی (الف) نشان می‌دهد حدیث (ب) تا آن زمان وجود نداشته است.

می‌توان گفت تصویری که ساخت و ینبل از تاریخ تدوین منابع حدیثی در ذهن دارند، چنین است که مؤلفان مسلمان اولاً، از همه احادیث آگاهی داشته‌اند؛ ثانیاً، همه احادیث را در تألیفات خود می‌گنجانند؛ به ویژه احادیثی که به دلیل تأثیرگذاری در اثبات یا ردّ یک مناقشه، دارای اهمیت بوده‌اند. با این نگاه، شرایط برهان سکوت بر اساس تفسیر نخست از

۱. رک: «تاریخ گذاری احادیث بر اساس روش ترکیبی تحلیلی اسناد و متن در مطالعات اسلامی خاورشناسان»، ص ۱۲۹-۱۳۰.

۲. همان، ص ۱۳۰-۱۳۱.

برهان سکوت فراهم است و مؤلف نمی‌توانسته حدیث را نادیده بگیرد. در نتیجه، اگر حدیثی در منبع یافت نشود، به دلیل آن است که اساساً چنین حدیثی در آن زمان وجود نداشته است. همین تصویر نشان می‌دهد که چرا فرضیه عدم وجود روایت در زمان تألیف منبع، بهترین تبیین ممکن است.

۲- کاربرد برهان سکوت در فرایند تاریخ‌گذاری حلقه مشترک

شاخه و ینبل، افزون بر تاریخ‌گذاری بر اساس قدیمی‌ترین منبع، از اسناد در سنجش اصالت تاریخی احادیث نیز بهره گرفته‌اند. شاخه در تحلیل اسناد احادیث، دریافت در احادیثی که چندین طریق نقل دارند، گاه نام یک راوی در همه سندها تکرار شده است. وی این راوی را «حلقه مشترک» (CL) نامید.^۱ او کوشید بر مبنای الگوی حلقه‌های مشترک، تاریخ‌پیدایش احادیث را مشخص کند.^۲ شاخه درباره ارزش حلقه مشترک در تاریخ‌گذاری می‌گوید:

وجود راویان مشترک ما را قادر می‌سازد تا تاریخ قطعی بسیاری از احادیث و نظریه‌های عرضه‌شده در آنها را مشخص کنیم.^۳

شاخه سند را به دو بخش اصیل و جعلی تقسیم کرد و این دیدگاه را پی‌ریزی کرد که پایین‌ترین حلقه مشترک را می‌توان محل اتصال قسمت‌های مجعول و بخش اصیل در سندهای یک روایت واحد دانست. شاخه و ینبل پایین‌ترین حلقه مشترک در هر حدیث را پدیدآورنده یا جاعل آن حدیث خواندند.^۴

ینبل علاوه بر پذیرش پیش‌فرض‌های شاخه، مبنایی تاریخی نیز برای آن‌ها فراهم کرد. او

1. Common link.

۲. رک: «پدیده حلقه مشترک در سندهای روایات: تبیین و تحلیل»، ص ۲۸. شاخه در تحلیل سندی احادیث به جایگاهی دست یافت که به تعبیر موتسکی وقتی از تحلیل سندی یاد می‌شود بی‌درنگ نام یوزف شاخه به ذهن متبادر می‌شود. تاریخ‌گذاری حدیث: روش‌ها نمونه‌ها، ص ۴۰.

۳. «تاریخ‌گذاری احادیث بر مبنای روش تحلیل ترکیبی اسناد متن: امکانات و محدودیت‌ها»، ص ۱۱۶. باید توجه داشت در نگاه خاورشناسان شکاک همچون گلدتسیهر و شاخه مراد از تاریخ قطعی، غالباً تاریخ جعل است زیرا گلدتسیهر شناسایی احادیث صحیح را به سبب جعل گسترده، کاری ناممکن می‌دانست (Goldziher, Muslim studies, Vol. II, p. 18); و شاخه نیز بر این باور بود که بایستی این تصورات بی‌دلیل را کنار بگذاریم که اساساً هسته اصیل و موثق از اخبار وجود دارد که سند آن به پیامبر ﷺ می‌رسد

(Schacht, The Origins of Muhammadan Jurisprudence, p. 3).

۴. «حدیث پژوهی در غرب: مقدمه‌ای در باب خاستگاه و سیر تطور»، ص ۲۰.

معیار تاریخی بودن نقل یک حدیث را «تکرار نقل» می‌دانست. از نظر ینبل، صرف وجود حلقه مشترک در شبکه اسناد، برای اثبات تاریخی بودن آن کافی نیست. بدین منظور، وی اصطلاح «حلقه مشترک فرعی» را وضع کرد. هنگامی که شاگردان مورد ادعای حلقه مشترک، هر کدام بیشتر از یک شاگرد داشته باشند، ینبل هر کدام از آن شاگردان را یک حلقه مشترک فرعی یا جزئی (PCL)^۱ می‌نامد. یک حلقه مشترک فرعی زمانی می‌تواند با اطمینان این عنوان را داشته باشد که چند حلقه مشترک فرعی جدیدتر داشته باشد.^۲ در مقابل، چنانچه در شبکه اسناد حلقه‌های مشترک فرعی وجود نداشته باشند، ینبل حلقه مشترک را «حلقه مشترک ظاهری»^۳ می‌داند. ینبل در حلقه مشترک حقیقی، وجود سه شاگرد یا بیشتر را موجب اطمینان می‌داند و در حلقه مشترک ظاهری بر اساس میزان باورپذیری دو اصطلاح تعریف می‌کند:

الف) اگر حلقه مشترک تنها دو شاگرد باورپذیر داشته باشد، حلقه مشترک را به صورت (S)CL نمایش می‌دهد؛

ب) اگر حلقه مشترک فقط یک شاگرد داشته باشد، حلقه مشترک را به صورت SCL نمایش می‌دهد.^۴

ینبل همچنین شبکه‌ای را که در بردارنده مجموعه‌ای از طرق منفرد است و حلقه مشترک ظاهری را به صاحبان جوامع حدیثی متصل می‌کند، «شبکه عنکبوتی»^۵ و سندهایی را که حلقه مشترک را دور می‌زنند، «سند‌های شیرجه‌ای»^۶ می‌نامد. همه این شاخه‌ها در کنار هم یک «شبکه اسناد»^۷ را تشکیل می‌دهند.^۸ در معنایی که ینبل از «حلقه مشترک حقیقی» عرضه می‌دارد، شبکه‌های عنکبوتی و شیرجه‌ای، فاقد ارزش تاریخی تلقی می‌شوند.^۹ بر اساس قاعده روشی ینبل، ممکن است مضمون روایات، قدیمی‌تر از تاریخی باشد که بر

1. Partial common link.

۲. رک: «مروری انتقادی بر کتاب دائرةالمعارف احادیث رسمی»، ص ۸۱-۸۲.

3. Seeming common link.

4. see: Encyclopedia of Canonical Hadith, xxi.

5. Spider.

6. Diving.

7. Isnad bundle.

۸. رک: «پدیده حلقه مشترک در سند‌های روایات: تبیین و تحلیل»، ص ۳۰ و ۳۱.

۹. ینبل برای توجیه جعل علاوه بر برهان سکوت از «تکثیر سندها» نیز کمک می‌گیرد (رک: همان، ص ۴۶).

اساس حلقه مشترک به دست آمده است، اما از آنجا که نمی‌توان این موضوع را اثبات کرد، تاریخ‌گذاری پیش از حلقه مشترک، معتبر و مورد تأیید نخواهد بود.^۱ لذا با وجود آن که این احتمال وجود دارد که مضمون حدیثی، قدیمی‌تر از حلقه مشترک باشد، اما این موضوع با اطلاعات موجود در سندهای حدیث قابل اثبات نیست و نمی‌توان تاریخ آن را به پیش از حلقه مشترک رساند. وی بر پایه برهان سکوت می‌گوید:

اگر حلقه مشترک واقعاً حدیث را از فرد دیگری شنیده بود، حتماً در سندی که به پیامبر ﷺ می‌رسید، نشانه‌ای از آن منبع یافت می‌شد.^۲

می‌توان برهان سکوت بالا را به صورت زیر نمایش داد:

- منابع پیش از حلقه مشترک هیچ اشاره‌ای به حدیث منقول از وی ندارند و نسبت به آن ساکت هستند.

- قصد نویسندگان منابع پیش از حلقه مشترک، گردآوری همه احادیث و از جمله حدیث منقول از حلقه مشترک بوده است.

- مفروض این است که حدیث منقول از حلقه مشترک جزء احادیثی است که در صورت وجود، نویسندگان منابع پیش از حلقه مشترک نمی‌توانستند از آن چشم‌پوشی کنند. ^۳ بنابراین، سکوت منابع نشان می‌دهد که حدیث منقول از حلقه مشترک تا آن زمان وجود نداشته است (دست کم با این عبارات و ساختار متنی).

روشن است که ینبل در این جا از پیش فرض خود، یعنی عادت مؤلفان مسلمان مبنی بر گردآوری تمام میراث و گنجاندن آن در مجموعه‌های تألیفی خود بهره گرفته است. این پیش فرض شرایط برهان سکوت در تفسیر نخست را فراهم و عدم وجود روایت در منابع پیش از حلقه مشترک را بهترین تبیین ممکن می‌سازد.

۴-۳. کاربرد برهان سکوت در تاریخ‌گذاری طرق منفرد و طرق شیرجه‌ای

پیش‌تر اشاره شد که ینبل معیار تاریخی بودن یک حدیث را «تکرار نقل» می‌دانست. وی اصل روش شناختی زیر را برای تحلیل شبکه‌های اسناد و به عنوان معیار «تاریخی بودن» سندها و نقل‌های احادیث مفروض گرفته است: «هر چه خطوط نقل بیش‌تری در یک راوی

1. Juynboll, Some Isnad-Analytical Methods, pp. 381, 370.

2. Juynboll, Some Isnad-Analytical Methods, pp. 358-359, 370, 381; Juynboll, Muslim Tradition, p. 98.

جمع شوند، خواه به آن برسند و خواه از آن منشعب شوند، تاریخی بودن این راوی و نقل روایت او محتمل تر است».

بر اساس این اصل، طرق منفرد فاقد اعتبار تاریخی اند. روشن است که استنتاج ینبل نیز بر «برهان سکوت» استوار شده‌اند؛ زیرا در واقع، ینبل از وجود طریق منفرد نتیجه می‌گیرد که طریق دیگری وجود نداشته است، چون اگر وجود داشت، حتماً در منابع یافت می‌شد:

- منابع حدیثی هیچ اشاره‌ای به اسناد دیگر حدیث منفرد ندارند و نسبت به آن ساکت هستند.

- قصد نویسندگان منابع حدیثی، گردآوری همه اسناد بوده است.

- مفروض این است که نویسندگان منابع حدیثی نمی‌توانستند اسناد دیگر حدیث منفرد را در صورت وجود نادیده بگیرند.

بنابراین، سکوت منابع نشان می‌دهد که اسناد دیگری وجود نداشته است (انفراد باقی و طریق منفرد فاقد اعتبار تاریخی است).

استدلال ینبل برای اثبات جعلی بودن «طریق شیرجه‌ای» نیز مشابه استدلال پیشین است. او از این که طریق شیرجه‌ای تنها در جوامع کهن تر نیست، نتیجه می‌گیرد که آن سند جعلی است؛ زیرا اگر چنین سندی موجود بود، در جوامع کهن نیز یافت می‌شد. برهان سکوت به کاررفته در استدلال ینبل را می‌توان چنین نمایش داد:

- منابع حدیثی کهن هیچ اشاره‌ای به طریق شیرجه‌ای ندارند و نسبت به آن ساکت هستند.

- قصد نویسندگان منابع حدیثی گردآوری همه اسناد و طرق بوده است که طریق شیرجه‌ای جزء آن‌هاست.

- مفروض این است که طریق شیرجه‌ای جزو اسنادی است که در صورت وجود، نویسندگان منابع پیشین نمی‌توانستند آن را نادیده بگیرند.

بنابراین، سکوت منابع نشان می‌دهد که طریق شیرجه‌ای در آن زمان وجود نداشته است (طریق شیرجه‌ای جعلی و متأخر است).

ینبل خود اذعان می‌کند که استدلال وی بر برهان سکوت مبتنی شده و ممکن است در وهله نخست چندان قانع‌کننده به نظر نرسد، اما به گمان او، پیش فرض عادت مؤلفان مسلمان مبنی بر گردآوری تمام میراث و گنجاندن آن در مجموعه‌های تألیفی خود

استدلالش را تقویت می‌کند. وی می‌افزاید:

نبود یک روایت در آن جوامع را می‌توان حاوی اطلاعاتی مهم و درخور توجه برای تاریخ‌گذاری یا شناسایی خاستگاه آن روایت در نظر گرفت که همان «حد زمانی آغازین»^۱ برای پیدایش روایت است.^۲

۵. نقد برهان سکوت شاخت و ینبل

نقش اساسی در پذیرش برهان سکوت را شرایط اجرای آن برعهده دارد. پیش‌تر سه شرط دسترسی نویسنده به اطلاعات، قصد نویسنده برای توصیف کامل وضعیت و اهمیت بالای پدیده در تبیین ساختار برهان سکوت بازگو شد. سکوت نویسنده تنها در صورت فراهم بودن شرایط سه‌گانه می‌تواند دلالت بر عدم وجود پدیده باشد؛ وگرنه با فقدان هر یک از شرایط این استدلال نتیجه‌بخش نخواهد بود. شاخت و ینبل در موجه‌سازی استدلال خود تلاش نموده‌اند به گونه‌ای این شرایط را فراهم نشان دهند. پافشاری بر عادت نویسندگان مسلمان مبنی بر نقل تمام میراث گذشتگان در کتاب‌های حدیثی و نیز اشتغال جوامع حدیثی بر همه روایات دوره خود به همین نکته بازمی‌گردد. در نگاه شاخت و ینبل مؤلفان کتب حدیثی به همه احادیث دسترسی داشته و از آن‌ها با خبر بوده‌اند و از طرفی، تلاش محدثان ثبت تمام احادیث موجود بوده؛ زیرا احادیث برای آن‌ها اهمیت زیادی داشته است. شاخت معتقد است اگر حدیثی در یک متن فقهی گزارش شده که در منابع فقهی پیشین نیامده، در حالی که در تعیین حکم و تأیید یک دیدگاه، اهمیت بسیار داشته است، در این صورت، باید گفت که حدیث بعد از تدوین متن اول، ساخته شده است.^۳ آنچه در تصویر شاخت از جعل احادیث خودنمایی می‌کند، کشمکش دائمی میان موافقان و مخالفان یک مبنای فقهی است. دو گروه با تمام توان به دنبال تأیید دیدگاه خود و باطل ساختن دیدگاه مخالف هستند و در این کارزار، سلاح دو طرف، حدیث است. در چنین فضایی شرایط تطبیق برهان سکوت فراهم است؛ زیرا همواره میدان علمی جهت پاسخ به حملات طرف مقابل رصد می‌شده است. در نتیجه، نویسندگان از اطلاعات آگاهی داشتند و انگیزه کافی، بلکه

1. terminus post quem.

۲. «پدیده حلقه مشترک در سندهای روایات: تبیین و تحلیل»، ص ۳۵.

۳. مستشرقان و حدیث، ص ۱۳۶.

بالایی هم برای ثبت اطلاعات وجود داشته است. از این رو، حدیث محل نزاع باید در کتاب‌های دو طرف مناقشه برای تأیید یا رد ثبت شده باشد. ساخت با تصویرسازی از جعل احادیث در بستر منازعات و مجادلات، در واقع به دنبال زمینه‌سازی برای شرایط استدلال بوده است. در نگاه ساخت، ترتیب زمانی روایات در یک موضوع، به این صورت است:

- نظریه یا مبنای موجود مورد حمله قرار می‌گیرد؛

- احادیثی در ردّ این مبنا یا نظر ساخته می‌شود؛

احادیثی به نفع مبنا و نظراولیه ساخته می‌شود که متضمّن جزئیات بیشتر و نکته‌سنجی‌های دقیق‌تر است.^۱

بنابراین، شیوه تفسیر برهان سکوت و نیز توجه به شرایط اجرای آن در پذیرش این استدلال تأثیر بسزایی دارد. در تفسیر برهان سکوت بر اساس استنتاج بهترین تبیین این نکته بهتر نمایان می‌شود. استنتاج بهترین تبیین تلاش دارد تا به بهترین شکل اطلاعات موجود را تبیین کند. ساخت و ینبل نیز در تاریخ‌گذاری احادیث فقهی و اسناد احادیث به دنبال ارائه نظریه‌ای بودند که به بهترین شکل اطلاعات موجود را تبیین نماید. این دوازده میان فرضیه‌های مختلفی که برای تبیین وضعیت احادیث و شیوه سنددهی وجود داشت، دیدگاه شکاکانه خود را انتخاب نمودند. تصویر ساخت از شیوه جعل احادیث، استدلال آنان را موجه نشان می‌داد. حال باید دید منتقدان ساخت و ینبل چه اشکالاتی بر استدلال آن‌ها وارد ساخته‌اند؟

موتسکی در شرایط تطبیق برهان سکوت خدشه وارد می‌کند. وی معتقد است از این که یک فقیه متقدم در مجادله‌ای فقهی از حدیث نبوی در وقت مقتضی بهره نبرده است، لزوماً نمی‌توان نتیجه گرفت که آن حدیث نبوی در آن زمان وجود نداشته است؛ شاید آن فقیه از آن حدیث بی‌خبر بوده یا آن حدیث را حجت نمی‌دانسته است.^۲ در نتیجه، حتی اگر فقیه‌ای از حدیث مورد نظر آگاه باشد، اما آن را به هر دلیلی حجت نداند، از ثبت حدیث در کتاب خود صرف نظر خواهد نمود. به عقیده موتسکی، کتاب جامع هر شیخ حدیثی حاوی انتخاب او از روایات بوده و لزوماً همه روایات را در برداشته است.^۳ مصطفی اعظمی نیز

۱. همان.

۲. رک: «مواجهه محدثان مسلمان با پدیده رشد وارونه سندها»، ص ۱۸۰-۱۸۱.

3. Motzki, Dating muslim tradition p. 217.

شاخص را ناتوان از درک صحیح ویژگی‌های گوناگون احادیث می‌داند. یکی از این ویژگی‌ها این است که همه عالمان لزوماً به همه احادیث زمان خود آگاه نبودند.^۱

نکته دیگر که منتقدان به آن اشاره کرده‌اند، کمبود منابع کهن است. موتسکی معتقد است به دلیل کمبود دسترسی به منابع کهن، صرفاً با یافتن یک حدیث در یک منبع می‌توانیم نتیجه بگیریم آن حدیث در زمان تألیف آن منبع، وجود داشته است.^۲ در اینجا تقریر «عدم الوجدان لا يدل على عدم الوجود» از برهان سکوت بیشتر خودنمایی می‌کند. این که حدیث در منبع متقدم دیگری دیده نمی‌شود، دلیل بر نبود آن نیست؛ زیرا ممکن است حدیث در منابعی ثبت شده که در حال حاضر مفقود یا مخطوط و ... است. پیش‌تر اشاره شد که نتیجه برهان سکوت احتمالی است و در استدلال‌های فسخ‌پذیر یا ناهمگن، ورود اطلاعات جدید می‌تواند نتیجه اولیه‌ای را که از مقدمات محدودتری منتج شده بود، باطل کند یا تغییر دهد. بر این اساس، احتمال وجود حدیث در منابع کهن به قوت خود باقی است و به سادگی نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. در نتیجه، ترجیح احتمال منتخب ساخت و بنیل از میان سایر احتمالات وجهی نخواهد داشت و بهترین تبیین بودن استدلال را زیر سؤال می‌برد. نکته قابل توجه آن که پس از گذشت بیش از نیم قرن از تألیف کتاب ساخت با یافتن بسیاری از نسخه‌های خطی آثاری کهن‌تر از آنچه در دسترس او بود، نادرستی تعمیم ساخت با یافتن چند نمونه در تأیید دیدگاهش، به لحاظ روش‌شناختی کاملاً آشکار شده است.^۳

۶. نتیجه‌گیری

نوشتار حاضر به نتایج زیر دست یافته است:

۱. ساخت و بنیل از برهان سکوت در تاریخ‌گذاری احادیث فقهی بر اساس قدیمی‌ترین منبع، تاریخ‌گذاری حلقه مشترک و تاریخ‌گذاری طرق منفرد و شیرجه‌ای بهره‌گرفته‌اند. برهان سکوت در پژوهش‌های این دو نقشی اساسی در اثبات نتایج تاریخ‌گذاری بر عهده دارد.
۲. قضاوت درباره برهان سکوت منوط به ارائه تفسیر صحیح از آن و نیز آشنایی با شرایط

۱. «تاریخ‌گذاری احادیث بر اساس روش ترکیبی تحلیل اسناد و متن در مطالعات اسلامی خاورشناسان»، ص ۱۳۱.

۲. همان.

۳. همان.

کار بست آن است. دو تفسیر صحیح از برهان سکوت در نوشتار بالا ارائه شد. در صورت فراهم نبودن شرایط برهان سکوت، می توان آن را به مغالطه توسل به نادانی یا توسل به جهل تفسیر نمود و یا معادل با قاعده «عدم الوجدان یدل علی عدم الوجود» نامید. با این همه، باید توجه داشت برهان سکوت لزوماً مساوی با مغالطه نیست.

۳. دسترسی نویسنده به اطلاعات، قصد نویسنده برای توصیف کامل وضعیت و اهمیت بالای پدیده شرایط برهان سکوت بر اساس تفسیر نخست بود. احراز این شرایط تنها بر عهده تخصص مورخ در ارزیابی وضعیت نهاده شده است. نقش آگاهی های تاریخی در مطالعات حدیثی در این تفسیر به خوبی نمایان می شود.

۴. برهان سکوت بر اساس بازگشت به استنتاج بهترین تبیین، نتیجه ای احتمالی و فسخ پذیر ارائه خواهد کرد؛ به این معنا که ورود اطلاعات جدید می تواند نتیجه اولیه را باطل کند یا تغییر دهد. این نگاه با عدم قطعیت در تحقیقات تاریخی همخوانی دارد.

۵. شاخ و ینبل در تاریخ گذاری احادیث و اسناد بر آگاهی مؤلفان از همه احادیث و انگیزه آنان برای ثبت تمام اطلاعات به دلیل اهمیت بالا در منازعات اصرار داشتند. منتقدان این دو نیز تصویر آنان از فضای تاریخی احادیث را ناموجه و نادرست قلمداد نمودند.

۶. به نظر می رسد مطالعات تاریخی در زمینه حدیث همچنان به کاوش های عمیق تری نیاز دارد تا تصویری موجه از خاستگاه و سیر تطور احادیث ارائه نماید. کلی گویی و تعمیم نتایج جزئی به همه احادیث از آسیب های مطالعات تاریخی حدیث است که تنها با جزئی نگری و روش استقرایی بر طرف خواهد شد.

کتابنامه

- اصول و فنون پژوهش در گستره دین پژوهی، احد فرامرز قرا ملکی، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، دوم، ۱۳۸۵ ش.
- تاریخ گذاری حدیث روش ها و نمونه ها، ایگناتس گلدتسیهر و ...، به کوشش و ویرایش سید علی آقایی، تهران: حکمت، اول، ۱۳۹۴ ش.
- حدیث اسلامی، خاستگاه ها و سیر تطور، هارالد موتسکی، مترجم: مرتضی کریمی نیا، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر، قم - ایران، اول، ۱۳۹۰ ش.
- دانش منطق، محمود منتظری مقدم، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، اول، ۱۳۹۸ ش.

- در آمدی بر مطالعات حدیثی در دوران معاصر، مجید معارف، سعید شفیعی، سازمان سمت، ۱۳۹۴ ش.
- راهنمای نگارش دانشگاهی، سعید عدالت نژاد، تهران: انتشارات نیلوفر، اول، ۱۳۹۳ ش.
- شفاهی و مکتوب در نخستین سده‌های اسلامی، گریگور شولر، مترجم: نصرت نیل‌ساز، تهران: انتشارات حکمت، اول، ۱۳۹۳ ش.
- مستشرقان و حدیث، شادی نفیسی، دانشکده مجازی موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث. مغالطات، علی اصغر خندان، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۰ ش.
- «استنتاج بهترین تبیین و مسئله توصیف استدلال‌های استقرایی؛ بررسی دیدگاه لیپتون»، منصور نصیری، نقد و نظر، ۱۳۹۵ ش، ش ۴.
- «پدیده حلقه مشترک در سندهای روایات: تبیین و تحلیل»، سید علی آقایی، مطالعات تاریخ اسلام، ۱۳۸۹ ش، ش ۷.
- «تاریخ‌گذاری احادیث بر اساس روش ترکیبی تحلیل اسناد و متن در مطالعات اسلامی خاورشناسان»، نصرت نیل‌ساز، پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۱۳۹۰ ش، ش ۱.
- «تاریخ‌گذاری احادیث بر مبنای روش تحلیل ترکیبی اسناد متن امکانات و محدودیت‌ها»، سید علی آقایی، صحیفه مبین، ۱۳۹۰ ش، ش ۵۰.
- «تاریخ‌گذاری روایات اسلامی بر پایه اسناد و متن: تحلیل مقدمات و روش‌ها»، سید علی آقایی، استاد راهنما: مهدی مهریزی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، رساله دکتری، ۱۳۹۱ ش.
- «حدیث به مثابه داده تاریخی مروری بر رهیافت‌های محققان غربی به مسئله وثاقت احادیث اسلامی»، سید علی آقایی، آینه پژوهش، ۱۳۹۱ ش، ش ۱۳۷ و ۱۳۸.
- «حدیث پژوهی در غرب: مقدمه‌ای در باب خاستگاه و تطور حدیث»، هارالد موتسکی، مترجم: مرتضی کریمی‌نیا، علوم حدیث، ۱۳۸۴ ش، شماره ۳۷ و ۳۸.
- «رابطه فرضیه ربایی با استقراء و حدس»، منصور نصیری، نقد و نظر، ۱۳۹۰ ش، ش ۱.
- «رهیافتی به ضوابط معیار قرار گرفتن تاریخ برای ارزیابی روایات»، علی حسن بیگی، مجید زیدی جودکی، علوم حدیث، ۱۳۹۸ ش، ش ۱.
- «کاربرد استنتاج بهترین تبیین در تفسیر قانون»، محمد صالحی مازندرانی؛ پیام محمدی

میرعزیزی، پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۱۳۹۹ش، ش ۵۱.

«مروری انتقادی بر کتاب دایرة المعارف احادیث رسمی»، هارالد موتسکی، مترجم: سید علی آقایی، آینه پژوهش، ۱۳۹۱ش، ش ۱۳۳.

«مطالعه انتقادی مبانی و روش‌های خاورشناسان در تاریخ‌گذاری احادیث اهل سنت»، احسان الله درویشی، استاد راهنما: محمداکرم رحمان ستایش، حوزه علمیه قم، پایان‌نامه سطح ۳، ۱۳۹۵ش.

«مقایسه‌ای میان استنتاج بهترین تبیین و حدس، فرشته نباتی»، حکمت سینوی، ۱۳۸۵ش، ش ۳۵.

«مواجهه محدثان مسلمان با پدیده رشد وارونه سندها»، سید علی آقایی، صحیفه مبین، ۱۳۸۹ش، ش ۴۸.

«نخستین دایرة المعارف در سنت حدیث پژوهی غربی»، ناقد: سید علی آقایی، کتاب ماه دین، ۱۳۸۸ش، ش ۱۳۹.

«نقد و بررسی پژوهش‌های حدیثی هارالد موتسکی»، فروغ پارسا، استاد راهنما: احمد پاکتچی، دانشگاه قم، ۱۳۸۷ش.

«نقد و بررسی مبانی و روش‌های حدیث پژوهان غربی در تاریخ‌گذاری روایات بر اساس متن»، سعید شفیعی، استاد راهنما: مجید معارف، دانشگاه تهران، ۱۳۹۱ش.

«واکاوای ملاک‌های احتمالاتی در استنتاج بهترین تبیین»، سید محمدمهدی اعتمادالاسلامی بختیاری، میرسعید موسوی کریمی، منطق پژوهی، ۱۳۹۶ش، ش ۲.

C. Howell, Martha and Walter Prevenier, *From Reliable Sources: An Introduction to Historical Methods*, Cornell University Press, 2001.

Chitnis, Krishnaji, *Research Methodology in History*, 2006.

Duncan, M. G., *The Curious Silence of the Dog and Paul of Tarsus; Revisiting The Argument from Silence*, *Informal Logic*, Vol. 32, No. 1, 2012.

Goldziher, Ignaz, *Muslim studies*, ed. S.M. stern, trans. C.R. Barber & S.M. stern, Chicago, 1971.

Juynboll, G.H.A., *Encyclopedia of Canonical Hadith*, BRILL, LEIDEN, BOSTON, 2007.

Juynboll, G.H.A., *Muslim Tradition, Studies in Chronology, Provenance and Authorship of Early Hadīth*, Cambridge: Cambridge University Press, 1983.

Juynboll, G.H.A., *Some Isnād Analytical Methods Illustrated on the Basis of Several*

Woman_Demeaning Sayings from Ḥadīth Literature, *Al-Qanṭara: Revista de Estudios Árabes*, Vol. 10, 1989.

Lange, John, *The Argument from Silence, History and Theory*, Vol. 5, No. 3, 1966.

Motzki, Harald, *Dating Muslim Tradition: A Survey*, *Arabica*, Vol. 52: 2, 2005.

Schacht, Joseph, *The Origins of Muhammadan Jurisprudence*, Oxford: Oxford University Press, 1950.